

فرهنگ‌یختگان

دومین پیش نشست همایش ملی «مساله تورم در ایران» ریشه‌ها، آثار و سیاست‌ها» با عنوان «تجارب کشورهای جهان در مقابله با تورم؛ دلالت‌هایی برای سیاست‌گذاری در اقتصاد ایران» روز یکشنبه ۱۹ شهریورماه ۱۴۰۲ در محل سالن ادب پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی توسط پژوهشکده اقتصاد و با حضور کارمان ندری، عضو هیات علمی دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق(ع) و مهدی قاسمی‌علی‌آبادی، دبیر کمیسیون زیربنایی، صنعت و محیط زیست دفتر هیات دولت و صاحب‌نظر

در حوزه پولی و بانکی برگزار شد. در ابتدای نشست، نرگس اکبرپورروشن، عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دبیر نشست با بیان این موضوع که تردیدی وجود ندارد تورم یکی از مسائل مهم اقتصاد کشور است، گفت: «تورم دغدغه سیاست‌گذاری در کشور است. گرچه کشورمان طی سال‌های اخیر تورم بالا را تجربه کرده، ولی سابقه تورم بالا در ایران به سال ۱۳۵۰ برمی‌گردد که روند تورمی در ایران آغاز و نرخ ۲۰ درصدی تورم در آن دوره ثبت شد.» اکبرپورروشن در ادامه بیان داشت: «مساله مهم

این است که اخیرا در حال تجربه تورم‌هایی با درصد بالا هستیم، اهمیت این اتفاق زمانی بیشتر می‌شود که تورم به طور مستقیم در زندگی و رفاه مردم تاثیر می‌گذارد. تورم در بخش تولید نیز بسیار اثرگذار است و یکی از شاخص‌های مهم بی‌ثباتی در اقتصاد می‌باشد. بنابراین بنا شد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی دین خود را به عنوان یک نهاد پژوهشی به کشور ادا کند. به همین جهت «همایش مساله تورم در ایران» را در دستور کار قرار داد. اما با توجه به اینکه این موضوع ابعاد گسترده‌ای دارد

دلیل تجربه چند دهه تورم بالا

می‌گوید: «فرض کنید دولت تصمیم گرفت که انضباط مالی را قبول و اصلاحاتی را در بودجه اعمال کند و استقلال لازم را به بانک مرکزی بدهد، حال وارد کنترل مهار تورم می‌شود. این کنترل تورم در کوتاه‌مدت برای دولت هزینه‌هایی ایجاد می‌کند. مهم‌ترین مشکل کشورهایی که با تورم میانه مواجهند، پدیده‌ای به نام «اینرسی تورمی» است، به این معنا که اقتصاد به این روش تورمی خو کرده و عدم تورم باعث رکود می‌شود. وقتی سیاستمدار هدف مهار تورم را بری سسال آتی مشخص می‌کند درکنار آن شرط رشد تولید را مطرح می‌کند. در کاهش تورم بالا به سطح میانه ضربه زیادی به تولید وارد نخواهد شد. اما کاهش نرخ تورم میانه مستلزم پرداخت هزینه است. کشورهای پیشرفته مانند آمریکا هرگز هزینه و ارتباط اقتصاد با تورم گذشته، درجه اعتبار نهادهای سیاستگذار پولی را افزایش دادند، زیرا اگر انتظارات مثبت در مردم ایجاد شود دولت بدون اینکه هزینه افت تولید را متحمل شود، تورم را کنترل خواهد کرد. سیاستگذاری پولی کشورهایی مثل ایران ظرفیت این اقدام را ندارند و احتمال اینکه دولت بخواهد یک سیاست ضدتورمی اتخاذ کند و به‌دنبال آن رکود بر اقتصاد حاکم نشود بسیار پایین است، برای مثال در دوره ریاست جمهوری روحانی موفق شدیم تورم را از محدوده تورم میانه پایین‌تر بیاوریم اما بلافاصله شاهد فشارهای مختلف سیاسی بودیم.

یکی دیگر از عواملی که در عرضه اقتصاد تاثیر می‌گذارد، مساله نرخ ارز است. هیچ اقتصادی بدون میخکوب کردن نرخ ارز نتوانسته تورم را کنترل کند. میخکوب کردن یعنی یا اجازه افزایش نرخ ارز داده نشود یا این افزایش کمتر از نرخ تورم باشد. بسیاری از بانک‌های مرکزی توانایی اجرای روند میخکوب کردن نرخ ارز را ندارند.

مساله دیگری که همه کشورها با آن مواجه بودند بخش حقوق و دستمزدهاست. درواقع افزایش حقوق و دستمزدها بالاتر از نرخ تورم کمکی به مهار تورم نخواهد کرد. البته کنترل نرخ ارز از کنترل حقوق و دستمزدها مهم‌تر است. اگر این روند انجام نشود باعث ایجاد هزینه برای دولت‌ها خواهد شد، مانند فشارهایی که بر دولت ایران نیز وارد می‌شود و متخصصان معتقدند حقوق و دستمزدها متناسب با نرخ تورم ترمیم نمی‌شود. در برخی کشورها عدم تناسب نرخ حقوق و دستمزدها با نرخ تورم تبعات سیاسی و اقتصادی زیادی دارد ولی تجربه کشورها نشان می‌دهد که کنترل نرخ ارز از کنترل حقوق و دستمزدها مهم‌تر است. درواقع برای کنترل تورم درنهادهای باید نرخ ارز حقیقی کاهش پیدا کند که این اتفاق نیز تبعات سیاسی دربی خواهد داشت، زیرا ممکن است واردات کشورها افزایش پیدا کند و تا دولت بخواهد به این سمت متمایل شود،

گروه‌های سیاسی فشار می‌آورند که با این اقدام دولت در تراز پرداخت‌ها با مشکل مواجه می‌شود. پس هرکدام از این عوامل و راهکارها که دولت‌ها برای کنترل و مهار تورم درنظر گرفته‌اند پرهزینه است. دلیل اینکه بسیاری از کشورهایی که نتوانستند تورم را کنترل کنند هزینه‌هایی است که در این مسیر به وجود می‌آید. این مسائل مربوط به عرضه‌هاست اما طرف تقاضا نیز بسیار مهم است.

معمولا برآوردهای سیاستمداران برای اینکه می‌خواهند در مردم امید ایجاد کنند از ظرفیت و توان تولید و اقتصاد خیلی بیشتر است و سعی دارند سمت تقاضای اقتصاد را تحریک کنند که برخی اوقات ظرفیت تولید نمی‌تواند آن را پشتیبانی کند. نرخ بهره در اقتصاد باید از سطح تعادلی که کنترل را ایجاد می‌کند، بالاتر باشد. این اقدامی است که سیاستمداران حاضر نیستند هزینه‌آن را پرداخت کنند. افزایش نرخ بهره چند حسن دارد، وقتی افراد متوجه شوند که اگر منابع مالی خود را به دولت قرض دهند می‌توانند بازدهی بالاتری دریافت کنند به سیاست کنترل ارز کمک می‌کند. نکته بعدی این است که افزایش نرخ بهره ماندگاری سپرده‌ها در اقتصاد را افزایش می‌دهد. اینکه دولت بتواند در دوره اعمال سیاست‌های ضدتورمی متغیرهای کلان اقتصادی درست تعیین کند، بسیار مهم است. اصولا کشورها در این دوره سیاست‌های مالی تنگ‌تری را اتخاذ می‌کنند، یعنی سعی دارند هزینه‌هایشان را کاهش دهند یا به‌تعمیق بیندازند. این اصلاحات هزینه‌ای می‌تواند برای کشورها تبعاتی داشته باشد و کشورهایی مثل ایران حاضر به اعمال آن نیستند.

یکی دیگر از مسائلی که تمام کشورها با آن مواجه‌بودند این بود که قیمت‌های نسبی برخی کالاها ی اساسی را پایین‌تر از مقدار تعادلی خودش در بازار نگه داشتند اما این اقدام باید با ظرافت انجام

شود در غیر اینصورت فشارهایی به اقتصاد کشور وارد می‌کند. تمام کشورها در مقابله با تورم، قیمت کالاها ی اساسی را زیر قیمت واقعی نگذاشتند اما آن را فریز نکردند، یعنی جایی که متوجه شدند این روند به بودجه دولت فشار زیادی وارد می‌کند، اقدام به تعدیل آن کردند، همچنین وقتی فاصله قیمت‌ها با مقدار تعادلی زیاد می‌شود با آزاد کردن قیمت شوک تورمی سختی ایجاد خواهد شد. البته با اتخاذ سیاست‌های درست قابلیت توقف دارد.»

کارمان ندری و مهدی قاسمی‌علی‌آبادی در دومین پیش نشست همایش ملی «مساله تورم در ایران» ریشه‌ها، آثار و سیاست‌ها» تشریح کردند

سلول‌های بنیادی تورم در کجا شکل می‌گیرند؟

... و کشور خودشان طراحی کنند اما معمولا اصول کلی مشترک است. طبیعتا مرور تجربه کشورهای دیگر حامل درس‌های مهمی برای ما خواهد بود؛ ضمن اینکه تورم در بسیاری از کشورها مساله حل شده‌ای است. در سال‌های اخیر به دلیل بحران ناشی از کرونا و جنگ اوکراین جهش‌های تورمی زیادی ایجاد شد اما شاهد مدیریت آن در بسیاری از کشورها بودیم. پس باید با بررسی تجرب و پرهیز از نواقص سیاست‌گذاری کشورهای دیگر، بهترین سیاست را برای ایران طراحی کنیم.

تصمیم بر این شد که علاوه بر همایش، نشست‌هایی را برگزار کنیم تا ضمن اینکه براسی برگزاری همایش بسترسازی می‌کنیم از حضور اساتید در جهت ارائه مباحث عمیق‌تر استفاده کنیم. هدف این است که توصیه‌های سیاست‌گذاری در حوزه ریشه‌ها و آثار تورم را برای سیاست‌گذاران داشته باشیم. در نشست دوم به تجرب کشورهای دیگر در حوزه مهار تورم خواهیم پرداخت، زیرا گام اول برای سیاست‌گذاری مرور تجرب است. هر چند دولت‌ها باید نظام سیاسی را با توجه به اقتضانات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

معضلی به نام «خوگردن به تورم»

دولتی نیز صرفمصل متفاوتی در بودجه دارند و بنگاه‌های بزرگ که بازدهی مناسبی از دارایی‌ها نمی‌گیرند. یعنی دولت قادر نیست از دارایی‌هایش در قلب شرکت‌هایی که در اختیار دارد بازدهی بگیرد و ثروت تولید نمی‌شود. همچنین ناترازی‌هایی (در حوزه بانکی، انرژی صندوق‌های بازسنجستگی و...) که در اقتصاد ایران وجود دارد و به بودجه دولت فشار وارد می‌کند. در تحلیل‌های پژوهشگران نیز کمتر دیده شده به اینکه ناترازی انرژی هم باعث ایجاد تورم می‌شود، اشاره کنند. تحریم معضل کمی نیست زیرا هزینه‌های دولت را بالا می‌برد. ایران نیز در اقتصاد، سواد تامين مالی ندارد که منشأ ریسک به شمار می‌رود زیرا متأسفانه در دولت‌ها همواره تمام راه‌حل‌هایی که برای توسعه ارائه می‌شود به تسهیلات بانکی ختم می‌شود. درحالی‌که در دنیا تامين مالی یک مساله بسیار مهم است و هر فرد برای انجام طرح‌هایش موظف است در ابتدا نحوه تامين مالی طرح را مشخص کند. اما در ایران تامين مالی از ازدواج جوانان گرفته تا بزرگ‌ترین پروژه‌ها را به سیستم بانکی ارجاع می‌دهیم؛ زیرا تصمیم‌گیران و مجریان پروژه‌های اقتصادی به مساله تامين مالی فکر نمی‌کنند و به دولت واگذار می‌کنند. از دست دادن مزیت‌ها نیز یکی دیگر از دلایل رشد تورم در کشور ایران است. برای مثال در دهه ۷۰ با لای ۲ میلیارد دلار صادرات فرش داشتیم ولی امروز میزان آن به ۲۰۰ میلیون دلار هم نمی‌رسد که نشان می‌دهد مزیت خود را در این حوزه از دست داده‌ایم. همچنین کشور دچار ترجیح فراگیر سفته‌بازی بر تولید شده است یعنی فعالان اقتصادی ترجیح می‌دهند در این محیط سفته‌بازی شرکت کنند تا تولید؛ درواقع سود سفته‌بازی از تجارت و تجارت از تولید بیشتر است. البته که در بسیاری از مواقع به انتهای زنجیره‌های تولید در حوزه‌های مختلف نیز نمی‌رسیم. برای مثال بخش قابل توجهی از زنجیره تولید فولاد به دلیل محدودیت انرژی انجام نمی‌شود. وقتی ثروت تولید نمی‌شود در بازارهای مالی یک عده به قیمت ضرر عده‌ای دیگر، می‌زنند. زیرا کیک اقتصاد باید بزرگ شود که همه بتوانند از آن استفاده کنند. این معضلات نیاز به سیاستگذاری‌های بلندمدت دارد و در دهه‌۴ بعد از انقلاب باید این اقدامات صورت می‌گرفت، اما الان هم دیر نیست.

یک اشتباه تحلیلی دیگر اعتقاد به عدم استقلال بانک مرکزی است. اگر خواهیم استقلال بانک مرکزی را از روی کاغذ به صحنه عمل بیاوریم، متوجه خواهیم شد که ارتباطی بین دولت و بانک مرکزی وجود ندارد. این عدم ارتباط آسیب زنده است. درواقع وقتی که بانک مرکزی باید در فرآیند تصمیم‌گیری نقش داشته باشد، حضور ندارد. استقلال بانک مرکزی خوب است اما آیا امکان‌پذیر است که در کشور مجموعه‌ای باشد که به اراده خودش سیاستگذاری کند؟ تغییر درست این است که باید بین بانک مرکزی و دولت ارتباط مناسبی به وجود بیاید که بانک مرکزی نقش آفرینی اثرگذار داشته باشد. نظام بانکی ایران از منظر مالکیت هم مشکل دارد، درواقع مالکیت غیر خصوصی بر بانک‌هایمان حاکم است. تقریبا بالای ۸۰ درصد از مالکیت بانک‌ها در اختیار دولت و دولتیان است. برای مثال وزارت اقتصاد مالک بسیاری از بانک‌ها است و باید در زمینه اصلاح نظام بانکی پیش قدم باشد. درحوزه نظارت که مسئولیت آن به عهده بانک مرکزی است نیز یک نظام نخبم‌ای قدیمی را اجرا می‌کنیم. همچنین محدود کردن ترازنامه بانک‌ها از نظر بنده یک روش گورمال است. شاخص مهم بین‌المللی به نام کفایت سرمایه را رها کرده‌ایم و از این طرف ترازنامه بانک‌ها را نیز محدود کردیم. وقتی به بانک اجازه ارائه تسهیلات راندهید قطعا نقدینگی را محدود می‌کنید اما آیا سود بانک محدود نمی‌شود؟ سهامداران بانک ضرر نمی‌کنند؟

کم‌حرکتی بین نقدینگی و تورم را من معلول محیط نامناسب می‌دانم. همواره سیستم پولی و بانک مرکزی فدا شده است؛ زیرا منشأ ریسک‌ها را برطرف نکرده‌ایم. محیط بانکی کشور نیز باید به نحوی اصلاح و بازسازی شود که بستر تورم‌هایی که علت آن خارج از سیستم بانکی است، رشد نداشته باشد. بسیاری از کشورهایی که شرایط مشابهی مانند ایران داشتند نظام بانکی خود را اصلاح و خصوصی سازی را بر اقتصاد حاکم کردند. این موارد می‌تواند به‌عنوان تجارب مثبت کشورهای دیگر برای ایران هم قابل استفاده باشد.»

مهدی قاسمی‌علی‌آبادی
<div>دبیر کمیسیون زیربنایی، صنعت و محیط‌زیست دفتر هیات دولت</div>
<div>در ادامه این نشست، مهدی قاسمی‌علی‌آبادی دبیر کمیسیون زیربنایی، صنعت و محیط‌زیست دفتر هیات دولت با بیان این نکته که صحبت‌های من در راستای نکاتی است که دکتر ندری بیان کردند، بیان داشت: «از نظر من اینرسی تورم نه‌فقط در سیاستگذار، بلکه در مردم ایران نیز به وجود آمده است. به این دلیل که اصولا مردم دارایی‌هایی دارند که از آن‌تر شدن آن خوشحال نخواهند شد. با این وجود حل مساله تورم دشوارتر از قبل می‌شود. متأسفانه ما در مساله تورم در یک دام تحلیلی هم افتاده‌ایم، یعنی هدف دولت ایران برای حل مساله تورم مقابله با رشد زیاد نقدینگی، نرخ ارز، قیمت کالاها و… است. به‌نظر می‌آید که تحلیل و اقدامات باید از چند قدم قبل‌تر از این معضلات شروع شود. من ۱۰ سال مدیر ریسک یکی از بانک‌های خصوصی بودم و امروز هم سعی دارم در همین راستا بحث را ادامه بدهم.</div>

اگر تورم در کشور ایران پایدار است و چند دهه است که آن را تجربه می‌کنیم به این دلیل است که روش مقابله غلطی را در پیش گرفته‌ایم. در واقع ما باید با نقدینه‌خواهی مقابله کنیم، نه اینکه به بانک مرکزی فشار بیاوریم که باید نقدینگی را در محدوده خاصی کنترل کنی تا در پی آن تورم مهار شود. در ادبیات ریسک به این اعتقاد داریم که اگر می‌خواهیم ریسک را کنترل کنیم در ابتدا باید منشأ ریسک کنترل شود. منشأ ریسک وجود رخدادهای قطعی است و تورم عدم قطعیتی است که در کنار رخدادهای قطعی بروز می‌کند. در اقتصاد ایران دوعامل داریم، رخدادهای قطعی و محیط مناسب برای ایجاد تورم که باید منشأها و محیط مناسب رشد تورم را از بین ببریم.

این محیط همان فضای بانکی و پولی کشور است که باعث بروز تورم در کشور خواهد شد. درواقع باید برای عاملی که بذر تورم را در اقتصاد ایران می‌کارد، سیاست و پیشنهاد درست ارائه دهیم. آمارهای پژوهشگاه مطالعات بازارگانی ایران درباره کشورهای دچار تورم تا سال ۲۰۲۱-۲۰۲۰ نشان می‌دهد که تنها ۱۳ کشور دچار تورم دورقمی و ۸ کشور تورم‌زمن دارند که ایران جزء هر دو

دسته است. اگر مصاحبه‌های مسئولان سازمان‌های پولی و بانکی در ۴۰ سال گذشته را مرور کنید متوجه خواهید شد که به‌طور یکسان همه آنها معتقدند باید تورم را کنترل کنیم. و از طرفی بیان می‌کنند که عامل اصلی تورم انتظارات است اما مساله اینجاست که دولت برای انتظارات چه اقدامی انجام داده است؟»

کارمان ندری و مهدی قاسمی‌علی‌آبادی در دومین پیش نشست همایش ملی «مساله تورم در ایران» ریشه‌ها، آثار و سیاست‌ها» تشریح کردند

مهدی قاسمی‌علی‌آبادی در ادامه بیان این نکته که مادر ایران در دام انحراف تحلیلی افتاده‌ایم و همواره دنبال مبارزه با کاهش قیمت‌ها و افزایش نقدینگی هستیم که باعث برطرف نشدن مساله تورم شده است، می‌گوید: «در ابتدا باید این معضل یعنی انحراف تحلیلی را برطرف کنیم. عمدتاً بیان این شود که تغییرات مخارج دولت، تغییرات مثبت نقدینگی، انتظارات تورمی و نرخ ارز مقصران اصلی تورم هستند و نمودارهای مربوط به مساله تورم نیز این نکته را تایید می‌کنند و در تحلیل‌های کمی، کیفی و نموداری به دنبال نشان دادن کم‌حرکتی بین تورم و مخارج دولت هستند و در پی توجیه این معضل، تحریم و خروج آمریکا از برجام، اجرای هدفمندی یارانه‌ها و… را مطرح می‌کنیم. بنده نیز نمی‌خواهم بگویم این تحلیل‌ها غلط است اما یک روی موضوع است و در کنار آن باید بررسی کنیم که چرا اقتصاد ایران به گونه‌ای هدایت می‌شود که کم‌حرکتی شدید بین تورم و نرخ ارز وجود دارد؟ در پیرامون معضل تورم خلأهایی وجود دارد که اتفاقا سلول‌های بنیادی تورم در آنها شکل می‌گیرد، یکی از این مشکلات، پروژه‌های نیمه‌تمام دولت است که جدول مفصلی به‌عنوان پیوست یک بودجه وجود دارد که همان لیست پروژه‌های ناتمام است. برای مثال هر بار که از خیابان بهشتی گذر کنیم با مصلای تهران که سال‌هاست از بودجه دولت ارتزاق می‌کند اما هنوز به‌طور کامل به بهره‌برداری نرسیده است، مواجه خواهیم شد. سرنیز این پروژه‌ها در نقدینگی می‌نشیند و محیط نامناسب بانکی کشور آن را تشدید می‌کند. شرکت‌های

مدیرمسئول: محمد امین ایمانجانی - **سرمدبیر:** مسعود فروغی
تلفن و فکس: ۶۹۵۰۲۹۹۹ (۲۱) - **کدپستی:** ۱۱۳۵۱۳۳۸۱

چاپ: چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی

نشانی: خیابان حافظ، پلین‌تر از جمهوری، روی روی ساختمان بورس، ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم